

بازخوانی پرونده برنام‌ه جامع گفت‌وگو با محمد مهجاری و احمد زیدآبادی

مسئله برجام، بالاخره می‌ماند یا می‌میرد؟!

عبدالرحمن فتح‌اللهی: اگرچه در مقاطع و برهه‌های مختلف، چه در زمان دولت روحانی و چه با آغاز به کار دولت رئیسی، از سکون، توقف، کما، مرگ مغزی و درنهایت نابودی برجام سخن به میان آمده است‌اما در روزها و هفته‌های اخیر و با توجه به اتفاق‌ها و رویدادهای جاری در سطح منطقه و جهان به نظر می‌رسد بیش از هر زمان دیگری می‌توان به دوران «پس‌برجام» فکر کرد؛ از مواضع حسن روحانی در جمع دولت دوازدهم به مناسبت عید غدیر درباره تحولات مذاکرات هسته‌ای گرفته تا گفته‌های سیدکمال خرازی و محمدجواد لاریجانی مبنی بر توان ایران برای ساخت سلاح هسته‌ای و… افزون بر آنچه گفته شد، مقام‌های اطلاعاتی و امنیتی اروپایی و آمریکایی نیز پای‌خود را به مذاکرات هسته‌ای باز کرده‌اند که نشان می‌دهد پرونده برجام دیگر از حالت سیاسی و دیپلماتیک خارج شده و فضایی امنیتی به خود گرفته است. در این صورت خود این نکته هم گواه دیگری بر مرگ برجام خواهد بود.

در گفت‌وگوی «شرق» با احمد زیدآبادی مطرح شد

اجرای برجام فقط به دست اصولگرایان ممکن است

احمد زیدآبادی جزء آن دسته از تحلیلگران و کارشناسانی است که با آغاز مذاکرات احیای برجام، هم در دولت روحانی و هم در دولت رئیسی، نگاه مثبتی به ازسرگیری توافق هسته‌ای داشته و به تبع این مثبت‌اندیشی در مقاطع و برهه‌های مختلف و با وجود اتفاقات متعدد در سطح منطقه و جهان، کماکان بر این دیدگاه خود استوار بوده است. حال که شاهد تحولات معناداری در روزها و هفته‌های اخیر بعد از برگزاری هفتمین نشست سران آستانه در تهران و حضور پوتین در ایران بودیم، «شرق» با این روزنامه‌نگار و تحلیلگر ارشد مسائل سیاسی و بین‌الملل به گپ‌وگفت نشستیم تا ارزیابی او را از تأثیر این اتفاق‌ها بر احیا یا عدم احیای برجام جویا شود. در ادامه حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

اگرچه در ۱۳۵ روزی که از توقف مذاکرات وین گذشته است، بارها از مرگ برجام سخن گفته شد اما در روزهای اخیر اتفاقاتی مانند برترنگ‌شدن ادبیات امکان ساخت سلاح هسته‌ای ایران، مواضع حسن روحانی در قبال مذاکرات و مهم‌تر از همه آنچه در سایه سفر پوتین و دیدار با مقامات کشور روی داد، این گزاره (مرگ توافق) را بیش ازپیش تقویت کرده است. حال شما که نگاه مثبتی به مذاکرات و حصول توافق هسته‌ای دارید، باز هم بر ارزیابی خود استوار هستید؟

بله؛ من با تمام این اتفاقات و نکاتی که طرح کردید کماکان به احیای برجام معتقدم، اگرچه شانس موفقیت تا حدود زیادی کاهش پیدا کرده است. واقعیت امر آن است از زمانی که مذاکرات در دولت رئیسی شروع شد، در دوره‌ها و مقاطع مختلف دانما از مرگ برجام و عدم احیای توافق هسته‌ای سخن گفته‌اند و حتی برای آن (مرگ برجام)، بازه‌های زمانی دو هفته، سه هفته، یک ماه و چند ماه را پیش کشیده‌اند، اما کماکان این وضعیت تا به اکنون ادامه داشته و برجام هم نمرده است؛ چون واقعا ایران در وضعیتی نیست که بخواهد یا بتواند مسئولیت، بار و هزینه شکست رسمی مذاکرات هسته‌ای و عدم احیای برجام را بپذیرد؛ بنابراین سعی می‌کند این مذاکرات به صورت کج‌دار و مریز ادامه پیدا کند، حتی اگر این سیاست به‌صورت یک امر تاکتیکی باشد. به‌هر حال اعلام رسمی شکست مذاکرات و مرگ برجام یک حالت «فناجاری» را در داخل کشور ایجاد می‌کند؛ چون علاوه بر تأثیرات مستقیم و فوری بر شرایط اقتصادی و معیشتی و شکل‌گیری تورم غیرقابل مهار و غیرقابل کنترل، آثار مخرب روانی هم بر افکار عمومی خواهد داشت. از همه مهم‌تر آن است که هیچ راهی برای جایگزینی برجام وجود ندارد.

هیچ راهی؟

تمام راه‌هایی که برای جایگزینی برجام وجود دارند، هم برای طرف ایرانی و هم برای طرف مقابل آن قدر پرهزینه هستند که چشم‌پوششی از توافق به امری بی‌نهایت دشوار تبدیل می‌شود. بنابراین تا این لحظه نمی‌توان گفت برجام مرده یا در آستانه مرگ قرار گرفته است. همان‌طور که گفتیم شانس احیای برجام کاهش پیدا کرده و حتی به ۵۰ - ۵۰ هم رسیده است اما با وجود نکاتی که گفتید، باز هم من اعتقاد ندارم برجام مرده و عمرش تمام شده است؛ چون مسئله به این سادگی نیست.

ولی اخیرا هم ریچارد مور، رئیس سرویس اطلاعات مخفی بریتانیا (MI6) و هم ویلیام برنز، رئیس آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) مستقیما به مسئله مذاکرات و برجام اشاره کرده‌اند که به نوعی نشان می‌دهد پرونده فعالیت‌های هسته‌ای و برجام از حالت سیاسی-دیپلماتیک به حالت امنیتی بازگشته است. از طرف دیگر بعد از سفر رئیس‌جمهور روسیه به ایران، زمانی که مقامات آمریکایی خطاب به تهران عنوان می‌کنند «با پوتین یا برجام»، به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی انتخاب خود را ذیل نزدیکی با روسیه کرده است. این مسائل تحلیل شما را زیر سؤال نمی‌برد؟

ببینید عبارت با پوتین یا برجام در جریان سفر رئیس‌جمهوری روسیه به ایران قدری بد تعبیر شده است.

چطور؟

منظور آمریکایی‌ها این بوده است اگر ایران این تصور را دارد که می‌تواند با پوتین همراه و شود و برجام را نابدید بخرد، این گزینه امکان‌پذیر نیست وگرنه وجود روابط معمول با روسیه، حتی در بین متحدان آمریکا در منطقه خاورمیانه هم وجود دارد. ببینید فضای بین‌المللی آن قدر دوقطبی نشده است که ایران مجبور به انتخاب بین برجام یا پوتین شود. این عبارت که شما مطرح کردید، ناشی از یک سوءتفاهم و سوءبرداشت است؛ چون اصلا این عبارت به این معنا نیست که اگر جمهوری اسلامی ایران احیای برجام را انتخاب کند، باید روابطش را با روسیه قطع کند یا کاهش دهد. این بیشتر یک هشدار از طرف آمریکایی‌هاست که در پاسخ به پرسش اولتان توضیح دادم؛ یعنی اگرچه راه‌های جایگزین برای احیای برجام وجود دارند اما راه‌هایی پرهزینه خواهند بود.

حال که در گفته‌های من و شما پای روسیه به میان آمد، جا دارد یکی از نوشته‌های شما را در کانال تلگرامی‌تان به نقد و چالش بکشم. بعد از فضای سیاسی - رسانه‌ای در سلبیه گفت‌وگوی روزنامه «شرق» با سفیر روسیه، در یادداشتی عنوان کردید، اساسا وظیفه اصلی هر سفیری در محل مأموریت خود، دفاع از منافع کشور متبوعش است؛ درحالی‌که بسیاری معتقدند لوان جاگاریان در سال‌های حضورش در ایران عملا از حافظ منافع روسیه به سمت دخالت آشکار و مستقیم در امور مملکتی ایران از مسائل سیاسی، دیپلماتیک و امنیتی گرفته تا حوزه اجتماعی، فرهنگی و مقوله‌هایی مانند حجاب، تورسیسم و … ورود پیدا کرده است. حتی سفیر روسیه برای رسانه‌ها در داخل ایران تعیین تکلیف می‌کند که در قبال جنگ اوکراین چه عبارتی را به کار ببرند. ضمن اینکه این شخص (جاگاریان)، سفیر کشوری است که قاطبه کارشناسان، تحلیلگران و ناظران امر، آن را بازنگر اصلی مغل احیای برجام می‌دانند. با این نکات، واقعا منکر این مهم هستید که مسکو ناقض منافع ایران است؟

اینکه تصور کنیم هر کشوری، آن هم روسیه به یک هدف سهل و ساده تبدیل شود تا جایی که هر شخصی و هر جریانی هرچه دوست داشته باشد، در قبالش مطرح کند، این‌گونه نیست. من با چنین نگاهی، نه درخصوص روسیه و نه هیچ کشوری در جهان موافق نیستم.



در این راستا، ریچارد مور، رئیس سرویس اطلاعات مخفی بریتانیا (MI6) برای نخستین بار در دو سال گذشته خارج از بریتانیا درخصوص امکان احیای توافق هسته‌ای ابراز تردید کرده است و مدعی شده تهران تمایلی برای پذیرش توافق ندارد. هم‌زمان با این گفته‌های مقام لندن‌نشین بود که ویلیام برنز، رئیس آژانس اطلاعات مرکزی ایالات متحده آمریکا یا همان CIA هم در اظهارنظری مشابه مدعی شده است جمهوری اسلامی درحال‌حاضر مذاکرات را چندان جدی‌تر گرفته است. به دلیل مجموع نکات یادشده، طبیعی از کارشناسان و تحلیلگران اعتقاد دارند جمهوری اسلامی ایران اکنون دیگر تمایلی برای احیای برجام ندارد؛ چراکه بازخوانی رئیس دولت سابق از آینده برجام و نیز پرنرنگ‌ترشدن ادبیات ساخت سلاح اتمی در داخل به‌معنای جدانشدن راه ایران از مسیر توافق هسته‌ای است. در این بین اتفاقی که این مهم را به واقعیت نزدیک‌تر می‌کند، ناظر بر فضای سیاسی بعد از حضور رجب طیب اردوغان و

تفاهم‌نامه‌ها را ندارند. رساندن سطح مناسبات تجاری از دو میلیارد دلار به ۴۰ میلیارد دلار و عملیاتی‌کردن مفاد تفاهم‌نامه‌های اخیر که در سایه حضور پوتین در ایران امضا شد، مستلزم هزینه زیاد و صرف سال‌ها وقت است و به این زودی‌ها چنین مسئله‌ای محقق نمی‌شود. پس اگر ایران می‌خواهد از مخصصه فعلی نجات پیدا کند فقط و فقط باید به احیای برجام یا چیزی شبیه به آن برای جایگزینی فکر کند، وگرنه اگر جمهوری اسلامی این تصور را دارد که می‌تواند از زیر بار توافق با ۱+۵ شانه خالی کند و همچنین وضعیت را در شرایط کنونی حفظ و مدیریت کند، تقریبا محال است.

بیش از حد به پارامتر تأثیر سیاست روس‌ها و نگاه پوتین در عدم احیای برجام پرداختیم و قدری از محور اصلی گفت‌وگو یعنی احتمال مرگ برجام دور شدیم. به مسئله اصلی این گپ‌وگفت بازگردیم. یکی از نکاتی که بسیاری را به این باور رسانده که ایران دیگر تمایلی به احیای برجام ندارد و توافق هسته‌ای به مرگ خود بیش از هر زمان دیگری نزدیک شده ناظر به پرترنگ‌شدن ادبیات مقامات داخلی پیرامون توان کشور برای ساخت سلاح هسته‌ای است، از سیدکمال خرازی تا محمدجواد لاریجانی. اگرچه پیش‌تر هم برخی مقامات در ادوار مختلف به صورت مستقیم و غیرمستقیم این نکته را درخصوص توان جمهوری اسلامی برای ساخت سلاح اتمی پیش کشیده‌اند، ورود توان ساخت سلاح هسته‌ای به ادبیات سیاسی – دیپلماتیک مقامات جمهوری اسلامی به معنای خواندن فاتحه این افراد برای برجام نیست؟

بگذارید تک به تک به این افراد بپردازم. اولآ آقای لاریجانی فعلا موقعیت و مقامی در ساختار جمهوری اسلامی ایران ندارد. ضمنا این فرد طی سال‌های اخیر هم ادبیات و مواضعی مطرح کرده است که تا اندازه‌ای با شخصیت وی همخوانی ندارد. چسուն این فرد در روزگاری که می‌گفت ما باید به سمتی پیش برویم که جمهوری اسلامی ایران حتی با ناتو هم وارد گفت‌وگو شود. چرا این دست سخنان را مطرح می‌کنند؟ دراین‌باره من مطلبی در کانال تلگرامی خود نوشتم و در پاسخ به این سؤال عنوان کردم که توصیه‌های این فرد (لاریجانی) با مجموعه فهمش از مسائال سنازگار به نظر نمی‌رسد؛ این نکته بسیار تندی بود که به زبان ملئین مطرح شد، بنابراین بسیاری به عمق این گفته من پی نبردند. به هر حال نکته من یک موضع تند و رادیکالی علیه شخصی چون محمدجواد لاریجانی است، چون من عنوان کردم که این فرد براساس فهم خود از مسائل حرف نمی‌زند و در عوض شاید به‌عمد سعی دارد یک نقش مخرب و هزینه‌زا را در سیاست خارجی ایران ایفا کند.

درخصوص کمال خرازی چطور؟

گفته‌های آقای خرازی از یک بُعد اهمیت دارد.

از چه بعدی؟

به هر حال آقای خرازی رئیس شسورای روابط خارجی است. از طرف دیگر وی مورد اعتماد مقامات بلندپایه جمهوری اسلامی ایران است. ضمنا این فرد زمانی وزیر امور خارجه دولت آقای خاتمی بوده است و هنوز هم نظرات و گفته‌هایش به‌خصوص در حوزه سیاست خارجی و دیپلماسی ایران شیده می‌شود؛ بنابراین اگر بخواهیم روی گفته اخیر آقای خرازی تمرکز کنیم از دل آن می‌توان دو برداشت بیرون کشید؛ اول اینکه ایران توان ساخت سلاح هسته‌ای دارد به نوعی سخن‌گفتن از امر واقع است، چون به هر حال ایران اکنون به غنی‌سازی ۶۰ درصدی اورانیوم رسیده است و رساندن آن به ۹۰ درصد کار چندان سختی نیست. این نکته‌ای است که طرف‌های مقابل هم بارها به آن اشاره کرده‌اند. از طرف دیگر می‌توان گفت که این دست سخنان آقای خرازی به نوعی یک موضع‌گیری برای اعمال فشار به غرب در جریان مذاکرات است، چراکه اکنون مذاکرات بر سسر احیای برجام و پیرونده فعالیت‌های هسته‌ای به یک نقطه حساس رسیده است. روند گفت‌وگوها با بن‌بست موقتی روبه‌رو شده است. از یک سو اروپایی‌ها و آمریکا سعی می‌کنند توافق نومه‌شده را به ایران تحمیل کنند و در آن سو تهران هم موارد بیشتری را طلب می‌کند؛ در نتیجه این ظن وجود دارد که شاید تهران می‌کوشد با این گفته‌ها پیرامون توان داخلی برای ساخت سلاح هسته‌ای طرف مقابل را تحت فشار قرار دهد تا توافق، به مرحله بعد برسد.

پس باید پرسید به باور شما گفته‌های کسی چون سیدکمال خرازی ایران را به این مهم می‌رساند؟

منبعی می‌دانم.

به چه دلیل؟

چون بعید به نظر می‌رسد که اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها بخواهند در جریان مذاکرات امتیازی بیشتر از این به جمهوری اسلامی بدهند؛ ازاین‌رو مانور مقامات ایران روی توان داخلی برای ساخت سلاح هسته‌ای یک مانور پرهزینه خواهد بود. ضمنا تقریبا همه بر



به‌ویژه ولادیمیر پوتین در تهران برای شرکت در هفتمین اجلاس سران روند آستانه است؛ چراکه رایزنی‌ها و دیدارهای صورت‌گرفته بین مقامات تهران و مسکو و مانور سیاسی-رسانه‌ای داخلی جناح رادیکال بر روی تفاهم‌نامه‌های منعقدشده با رقم ۴۰ میلیارد دلاری بین ایران و روسیه، آن هم بدون نیاز به احیای برجام و تصویب لایح FATF. حکایت از آن دارد که گویا تهران تصمیم خود را گرفته است؛ خاصه آنکه اخیرا ایالات متحده آمریکا نیز ایران را بین احیای توافق هسته‌ای یا تاووم روابط با پوتین در منگنه قرار داده است. اینکه تا چه اندازه شرایط پس برگزاری هفتمین نشست سران روند آستانه می‌تواند به‌منابا مرگ برجام و افتادن یکباره ایران در دامان روسیه تلقی شود؟ سؤال محوری است که «شرق» سعی دارد در گفت‌وگوهای جداگانه‌ای با محمد مهجاری و احمد زیدآبادی به پاسخ آن دست پیدا کند.

این واقعیت انکارنشدنی واقف هستند که رفتن ایران به سمت ساخت سلاح هسته‌ای به روابرویی نظامی با جمهوری اسلامی منجر خواهد شد و تقریبا در این مسئله هیچ‌گونه تردیدی وجود ندارد.

♦ در پروژه تاریخ شفاهی، حسین دهباشی از شما سؤال مهمی درباره چرایی شفک‌شدن تخم طلای برجام داشت که شما هم به نقش جریان‌های مخالف و مخرب دولت روحانی و توافق هسته‌ای اشاره داشتید. حال من مشابه همین سؤال را از شما می‌پرسم اگر در نهایت مذاکرات وین، ذیل نقش آفرینی دولت رئیسی و امثال کئی دوباره به تخم طلای برجام برسد، شفک خواهد شد یا خیر؟ هرچند در آن سوی داستان بخشی از این شفک‌شدن تخم طلای برجام هم به روی کار آمدن دونالد ترامپ و اقدامش درخصوص خروج از برجام هم بازمی‌گشت. اکنون هم که زرمزه بازگشت مجدد ترامپ به کاخ سفید برای انتخابات ۲۰۲۴ شینده می‌شود و مهم‌تر از آن دولت بایدن هم تصمیمی برای عدم خروج مجدد ایالات متحده از برجام نمی‌دهد؟

احیای برجام به دست اصلاح‌طلبان و اعتدالیون هیچ‌گونه خروجی در بر ندارد. اگر فایده و سودی در قبال برجام و احیای آن وجود دارد باید به دست خود اصولگرایان انجام شود. نکته مهم‌تر اینجاست که احیای اکنون برجام به جریان اصولگرا و قدرت یک‌دسته‌شدن تحمیل می‌شود، چون این جریان از ابتدا مخالف توافق برجام و احیای آن بود؛ بنابراین یک لحظه هم به خود این تردید را راه نمی‌دهد که نمی‌خواهد برجام احیا شود. ولی دلیل شرایط منطقه‌ای و جهانی و به‌خصوص اقتضانات داخلی، ضرورت احیای برجام را به این دولت (رئیسی) و قدرت یک‌دست‌شده بعد از انتخابات ۱۴۰۰ تحمیل می‌کند. ضمنا من معتقدم قدرت و سرعت تغییر و تحولات به جایی رسیده است که حتی اگر بعد از جو بایدن شخص دیگری از دموکرات‌ها و حتی یک فرد تندرو از جمهوری‌خواهان در انتخابات ۲۰۲۴ به قدرت برسد، نمی‌تواند دوباره ترامپ از برجام خارج شود.

چرا این برداشت را دارید؟

چون خروج مجدد از برجام و بازگشت به نقطه صفر اساسا بی‌معناست و به تبعش مناسبات منطقه‌ای و جهانی عوض می‌شود. اگر سال ۹۷، دونالد ترامپ برجام را به هم زد به این دلیل بود که از نگاه آمریکایی‌ها، جمهوری اسلامی با اقدامات روح خود برجام را به کلی نادیده گرفته بود. نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد این است که به نظر می‌رسد «سیستم» یک اقدام تاکتیکی را در دولت سابق در پیش گرفت. به این معنا که دولت روحانی و آقای ظریف، احیای برجام را با هزینه خود پیش ببرند و جریان مخالف آن به موارات انتفاع از مواهب توافق هسته‌ای با آن مخالفت می‌کردند. اما اکنون که قدرت عملا یک‌دست شده و دولت رئیسی روی کار است شرایط دیگر متفاوت شد. چون همان‌گونه که قبل‌تر گفتیم این قدرت یک‌دست‌شده و جریان اصولگرا باید برجام را به نواچا احیا کند و در عین حال همه هزینه‌های آن را هم بپذیرد. پس این تصمیم در دولت روحانی تاکتیکی بود چون هزینه‌ای برای آنها در بر نداشت، اما اکنون به یک اقدام استراتژیک در دولت رئیسی بدل شده است.

♦ اینجا دور باطلی شکل می‌گیرد به این معنا که اگرچه در راستای گفته‌های شما به دلیل شرایط داخلی، منطقه‌ای و جهانی ضرورت احیای برجام به‌عنوان یک انتخاب تحمیلی به دولت رئیسی و قدرت یک‌دست‌شده عمل می‌کند. اما به نظر می‌رسد، هم در رفتار تاکتیکی دولت روحانی و هم در سیاست استراتژیک دولت سیزدهم، جمهوری اسلامی کماکان سعی دارد با احیای برجام و تقویت قدرت اقتصادی روی دو محور دیگر یعنی توان دفاعی و موشکی و نفوذ منطقه‌ای مانور دهد، چنانی که بسیاری معتقدند احیای برجام به معنای بازکردن دست تهران در این دو مقوله است. با این تفاسیر چه بایدن یا فرد دیگری از جریان متبوع وی (دموکرات) و چه دونالد ترامپ و با هر شخص دیگری از جمهوری‌خواهان به‌عنوان رئیس‌جمهور در سال ۲۰۲۴ انتخاب شود باز هم آمریکا را به این سمت نمی‌کشاند که بخواهد برای توقف ایران در حوزه منطقه‌ای و دفاعی از برجام خارج شود. چراکه نتها در این صورت است که جمهوری اسلامی از تقویت اقتصادی محروم می‌شود؟

ابتدا باید این نکته را گوشزد کنم که به نظر من بسیار بعید است دونالد ترامپ دوباره رئیس‌جمهور آمریکا شود. اما در پاسخ به سؤال شما باید گفت که در طول این سال‌ها طرف غربی و به‌خصوص آمریکایی‌ها هم تجربیات مهمی به دست آورده‌اند؛ بنابراین به‌هیچ‌عنوان اجازه نمی‌دهند که اتفاقات گذشته تکرار شود. پس اگر برجام احیا شود و کماکان ایران فعالیت‌های خود را در منطقه و در حوزه موشکی و دفاعی برخلاف منافع واشنگتن و بازیگران همسو با ایالات‌متحده پیش ببرد تحریم‌های فعلی، نه در قالب پرونده فعالیت‌های هسته‌ای، بلکه در چارچوب تروریسم، حقوق بشر و نظایر آن به ایران تحمیل می‌شود و اینجا محل منازعه تهران و واشنگتن است. اکنون که مذاکرات به بن‌بست رسیده به همین دلیل است. چون ایران می‌گوید که با احیای برجام محدودیت‌هایی را در حوزه توان هسته‌ای خواهد پذیرفت، اما در سایر حوزه‌ها مانند نفوذ منطقه‌ای، اکنون دفاعی هیچ‌گونه محدودیتی را قبول نمی‌کند و به همین دلیل باید افراد و نهادهایی که اکنون تحت تحریم آمریکا هستند از تحریم خارج شوند تا بعد از احیای برجام بتوانند آزادانه هرگونه مراوده و اقدامی انجام دهند. در صورتی که آمریکایی‌ها با تجربیات گذشته سعی دارند این تبصره را به برجام اضافه کنند که با احیای توافق هسته‌ای، جمهوری اسلامی ایران به سمت فعالیت‌های دفاعی یا نفوذ منطقه‌ای خلاف منافع واشنگتن پیش نرود، چون در این صورت دوباره لیست فعلی تحریم‌های آمریکا بازمی‌گردد. در نتیجه اگر برجام احیا شود و کماکان ایران سعی داشته باشد مانند دولت روحانی عمل کند قطعاً آمریکا ضمن آنکه امتیازات خود را در برجام خواهد داشت، از آن طرف تحریم‌های کنونی را به نام تروریسم و دیگر مقولات علیه ایران اعمال می‌کند. با این اوصاف است که انتخاب سختی برای جمهوری اسلامی در دولت رئیسی شکل گرفته است، چون همان‌گونه که گفتم و دوباره تکرار می‌کنم دولت رئیسی و قدرت یک‌دست‌شده باید احیای برجام و تمام تبعات و هزینه‌های آن را بپذیرد. در غیر این صورت پوتین در کار نخواهد بود؛ یعنی آمریکا این بار سعی دارد یک توافق زیرکانه و دقیق را برای این سرانجام برساند که دوباره دست جمهوری اسلامی آن‌قدر باز نشود که بخواهد به سمت تقویت نفوذ منطقه‌ای و ارتقای توان موشکی گام بردارد یا پول احیای برجام را به‌زعم آنها در جاهای دیگری و برای گروه‌های همسو با خود به نام محور مقاومت خرج کند.

جمهوری اسلامی، به‌کارگیری روش‌های مستدیر نیست و بر همین اساس با تمرکز بر جوانان نخیه و خدای که سرمایه عظیم برای آینده کشور هستند، باید بتوانیم روش‌های نوآورانه و جدید را برای حل چالش‌های کشور عملیاتی کنیم. مخبر با اشاره به قدرت و عظمت کنونی جمهوری اسلامی به‌ویژه در زمینه دیپلماسی و سیاست خارجی تصریح کرد: امروز ایران به مرحله‌ای رسیده است که سیاست‌مداران بزرگ و قدرت‌های جهانی قادر نیستند هیچ تصمیمی را حداقل درخصوص مسائل منطقه خاورمیانه بدون ایران اتخاذ کنند و تصمیمات آنان عملیاتی نمی‌شود مگر اینکه نظر و دیدگاه جمهوری اسلامی در موضوعات گرفته شود.

حرکت‌های پیامبران و مصلحان در طول تاریخ مردم بوده‌اند، افزود: ممکن است ایده‌ای در طول تاریخ بشر از یک مصلح به وجود آید اما این مردم هستند که منشأ تحول آن ایده می‌شوند و برای محقق‌شدن آن آرمان‌ها باید جامعه و مردم به صحنه بیایند. معاون اول رئیس‌جمهور ادامه داد: بن‌گذار کبیر انقلاب اسلامی نیز یک مصلح واقعی بود که توانست بسا کمک و حمایت‌های مردم، رژیم حاکم منحرف طاغوتی را سرنگون کند و البته آرمان‌ها و هدایت‌های امام خمینی (ره) زمانی محقق شد که مردم در صحنه بودند. وی با اشاره به چالش‌ها و مسائل موجود برای به‌صحنه‌آوردن مردم به‌منظور تحقق پیشرفت و توسعه اقتصادی گفت: برای به‌میدان‌آوردن مردم در راستای تحقق آرمان‌ها نظام مقدس

اختتامیه اولین رویداد ملی نوآوری اجتماعی با عنوان «نوپیا» که با شعار نوآوری و پیشرفت ایران در محل پردیس چارسو برگزار شد، با اشاره به اینکه محور همه

معاون اول رئیس‌جمهور

تحول زیربنایی در اقتصاد کشور با کمک جوانان نخبه

معاون اول رئیس‌جمهور گفت: با کمک جوانان نخبه، جهادی و اینترگر به دنبال تغییر ریل و تحول زیربنایی در اقتصاد کشور هستیم. محمد مخبر در